Religion and Health

ORIGINAL ARTICLE

Special Issue Allameh Hassanzadeh Amoli
2023, Pages: 30-41.

Spiritual Illness and its Causes in the Thought of Allameh Hassanzadeh Amoli and Allameh Mesbah Yazdi

Reza Heidaryan[1*], Somayeh Zahedian[2]

1- Professor of Babol Medical University, Babol, Iran
2- 4th level student of Hazrat Khadija Babol seminary, Babol, Iran

***Corresponding Author:**
Reza Heidaryan
Professor of Babol Medica University, Babol, Iran

Email:
Reza.3013@yahoo.com

Abstract

Correctly understanding the meaning of health and illness in a person's life and knowing its causes helps him to have a healthy life; The purpose of this research is to become more familiar with spiritual illness and its causes by emphasizing the views of two contemporary comprehensive philosophers, Allameh Hassanzadeh Ameli and Allameh Mesbah Yazdi. The Holy Quran considers the final perfection of humans to be close to God and pure obedience to His commands; It is obvious that achieving this goal will be deviated for some reasons, in such a way that it will cause a person to suffer spiritual illness and ultimately fall morally; The present research, using descriptive and analytical method and using library sources, seeks to answer the question that from the perspective of Allameh Hassanzadeh and Allameh Mesbah, what factors cause spiritual diseases and threaten the mental health of people in life; The findings of the research indicate that the cause of human spiritual illness in life, in Allameh Hassanzadeh's thought, is neglect along with other causes such as not remembering God, the sins of the tongue, and the conflict of lusts; But from Allameh Mesbah's point of view, the only cause is neglect of oneself and the Creator, which occurs due to reasons such as lack of knowledge about one's position, lack of attention to divine blessings, following the desires of the soul, excessive attention to material things and the appearances of life. According to the authors, Allameh Mesbah's point of view is more compatible with the foundations of the Qur'an and hadiths.

Keywords: Hadiths, Hassanzadeh Amoli, Health, Mesbah Yazdi, Moral fall, Quran, Spiritual illness

▶ **Citation:** Heidaryan R, Zahedian S. Spiritual Illness and its Causes in the Thought of Allameh Hassanzadeh Amoli and Allameh Mesbah Yazdi. Religion and Health, Special Issue Allameh Hassanzadeh Amoli 2023: 30-41 (Persian).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

دین و سلامت

مقاله پژوهشی اصیل

ویژه نامه علامه حسن زاده آملی ۱۴۰۲ صفحه: ۴۱-۳۰.

بیماری معنوی و علل آن در اندیشه‌ی علامه حسن‌زاده آملی و علامه مصباح یزدی

رضا حیدریان[1*]، سمیه زاهدیان[2]

۱- مدرس دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

۲- طلبه‌ی سطح چهار حوزه‌ی علمیه‌ی خواهران حضرت خدیجه (س) شهرستان بابل، بابل، ایران

* **مؤلف مسئول:**
رضا حیدریان
مدرس دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

Email:
Reza.3013@yahoo.com

چکیده

فهم صحیح معنای سلامت و بیماری در زندگیِ فرد و دانستن علل آن، کمک شایانی به وی برای داشتن یک زندگی سالم می‌کند. هدف از این پژوهش آشنایی هرچه بیشتر با بیماری معنوی و علل آن با تأکید بر دیدگاه دو فیلسوفِ جامع نگر معاصر، علامه حسن‌زاده آملی و علامه مصباح یزدی است. قرآن کریم کمال نهایی انسان‌ها را تقرّب به پروردگار و اطاعت محض از فرمان‌های او می‌داند. بدیهی است که رسیدن به این مهم، به دلایلی دستخوش انحراف شود، به‌گونه‌ای که انسان را دچار بیماری معنوی و در نهایت، سقوط اخلاقی کند. تحقیق حاضر به‌روش توصیفی‌تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای در پی پاسخ به این سؤال است که از منظر علامه حسن‌زاده و علامه مصباح، چه عواملی موجب بیماری‌های معنوی و تهدید سلامت روحیِ انسان‌ها در زندگی می‌شوند. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که علّت بیماری معنوی انسان در زندگی، در اندیشه‌ی علامه حسن‌زاده، غفلت در کنار سایر علل همانند نبودن به یاد خدا، گناهان زبان و تزاحم شهوات است؛ اما از دیدگاه علامه مصباح یگانه علّت غفلت از خود و خالق است که بنابر دلایلی، از جمله نداشتن معرفت از جایگاه خود، بی‌توجّهی به نعمت‌های الهی، تبعیّت از هوای نفس، توجّه بیش از حدّ به مادّیات و ظواهر زندگی پدید می آید. از نظر نگارندگان، دیدگاه علامه مصباح با مبانی قرآن و روایات سازگارتر است.

واژه‌های کلیدی: بیماری معنوی، حسن‌زاده آملی، روایات، سقوط اخلاقی، سلامت، قرآن، مصباح یزدی

◄ **استناد:** حیدریان، رضا؛ زاهدیان، سمیه. بیماری معنوی و علل آن در اندیشه‌ی علامه حسن‌زاده آملی و علامه مصباح یزدی. دین و سلامت، ویژه نامه علامه حسن زاده آملی۱۴۰۲: ۴۱-۳۰ (فارسی).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

مقدمه

بیان مسئله و پرسش اصلی تحقیق

همه‌ی افراد به دنبال داشتن زندگی سالمی توأم با آرامش هستند تا بتوانند در چنین محیطی، خود را از بلاها حفظ کنند و برای سفر آخرت مهیّا شوند، سفری که جایگاه شخص در آن به اعمال این دنیایش بستگی دارد؛ یعنی، این دنیا محل کاشت و عمل و دنیای دیگر محل برداشت و جزا است؛ ولی، بنابر دلایلی خواسته یا ناخواسته، شخص کاشت و عمل مناسبی ندارد تا در آن دنیا بتواند بهره‌ی درستی از اعمالش ببرد. روح انسان همانند جسم او به بیماری مبتلا می شود و در حقیقت، وجود انسان می تواند حامل دو بیماری باشد: ۱. جسمی؛ ۲. روحی. بدیهی است که این دو نوع بیماری دو نوع طبّ و طبیب نیز می طلبد: روحانی و جسمانی. در این مطلب، از آیات قرآن هم استفاده می‌شود. خداوند در قرآن با عبارات مختلف درباره‌ی منافقان می فرماید: آن‌ها بیمار دل‌اند، «فِی قُلُوبِهِم مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللهُ مَرَضاً» (بقره:۱۰). بدیهی است که نفاق نوعی انحراف از سلامتی است. در جای دیگر، درباره‌ی قرآن می‌فرماید: «و نُنَزِّلُ مِنَ القُرآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحمَةٌ لِلمُؤمِنِینَ وَ لَایَزِیدُ الظّالِمِینَ اِلّا خَسَاراً» (إسراء: ۸۲) و در جای دیگر آمده: «قُلْ هُوَ لِلَّذِینَ آمَنُوا هُدَیً وَ شِفَاءٌ» (فصّلت: ۴۴) (ای پیامبر، به ایشان بگو که قرآن برای مؤمنان مایه‌ی هدایت و شفاست). در این آیه به «شفا» تعبیر شده و طبیعتاً شفا در جایی کاربرد دارد که بیماری باشد. خداوند در آیه‌ی اول، به وجود امراض روحانی و در آیات دیگر، به نسخه‌ی شفابخشی به نام قرآن اشاره فرموده است. در نهج‌البلاغه هم به شفابخشی قرآن اشاره شده است: «فَاستَشْفُوهُ مِن اَدْوَائِکُم وَ استَعِینُوا بِهِ عَلَی لَأوائِکُم فَاِنَّ فِیهِ شِفاءً مِنْ اَکْبَرِ الدّاءِ وَ هُوَ الکُفْرُ وَ النِّفَاقُ وَ الغَیُّ وَ الضَّلَالُ» (از قرآن برای بیماری‌های خود شفا بخواهید و برای حل مشکلاتتان از آن یاری طلبید، چراکه در این کتاب، درمان دردهای بزرگ وجود دارد که درد کفر و نفاق و گمراهی و ضلالت است). در جایی دیگر آمده: «وَ دَوَاءُ دَائِکُم» و «اَلشِّفَاءُ النّافِعُ». از جمله لقب‌های پیامبر خدا نیز «طبیبٌ دوّار» (پزشک سیّار) بوده؛ یعنی او به سراغ بیماران می رفت، حتی اگر بیمار تمایلی به شفا نمی‌داشت، ضمن آنکه داروی شفابخش قرآن هیچ آثار سویی ندارد: «شِفَاءً لَاتُخشَی اَسقَامُهُ» (قرآن داروی شفابخشی است که هیچ دردی از آن بر نمی‌خیزد) (۱)؛ اما هر دارویی علاوه بر تسکین درد می تواند منشأ دردهای دیگری نیز باشد: «لیس مِنْ دَوَاءٍ اِلّا وَ یَهِیجُ دَاءً» (هیچ دارویی نیست که خود آغازگر بیماری دیگری نباشد) (۲). قرآن و سنّت بر اهمیّت سلامتی در زندگی دنیوی و اخروی تأکید فراوان می‌کنند، برای نمونه می توان یکی از مصادیق آیه‌ی شریفه‌ی «وَلاَ تُلْقُوا بِأَیدِیکمْ إِلَی التَّهْلُکةِ» (بقره: ۱۹۵) را ضرورت رعایت بهداشت دانست و از آنجایی که به بداهت عقل مقدمه‌ی واجب، واجب است، رعایت بهداشت و پیشگیری از بیماری‌ها برای حفظ جان مسلمانان واجب خواهد بود و اگر شخصی آگاهانه و از روی عمد، در حفظ جان خود و دیگران کوتاهی کند، ملامت خواهد شد. سازمان جهانی بهداشت در تعریف سلامت می گوید: «تَندُرُستی یا سَلامَتی عبارت است از تأمین رفاه کامل جسمانی و روانی و اجتماعی انسان.» بنابر تعریف سازمان بهداشت جهانی، تندرستی فقط نبود بیماری یا نواقص دیگر در بدن نیست، بلکه نداشتن هیچ‌گونه مشکل روانی، اجتماعی، اقتصادی و سلامت جسمانی برای هر فرد جامعه است و این نشانگر آن است که تعریف سلامت مفهومی گسترده‌تر از بُعد جسمانی دارد (۳)؛ بنابراین، شخص سالم کسی است که در کنار سلامت جسم، از سلامت روح نیز برخوردار و از نظر اجتماعی، در آسایش باشد. از سوی دیگر، «سلامت معنوی» مفهومی است که سازمان بهداشت جهانی در تعریف آن به نظر واحدی نرسیده است. اینکه سلامت معنوی به چه معناست، موضوعی است که جای بحث جدّی دارد؛ اما «اثرگذاری معنویت انسان بر جسم او و رعایت آداب دینی، گزاره‌ای است که اکثر محققان قبول کرده‌اند (۴). با عنایت به چنین اهمیتی، مقاله‌ی پیشِ رو در صدد پاسخ به این پرسش مهم است که در اندیشه‌ی دو اسلام شناس، علامه حسن‌زاده و علامه مصباح، چه عواملی موجب بروز بیماری‌های معنوی و تهدید سلامت روحیِ

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

انسان‌ها در زندگی می شوند.

پیشینه‌ی پژوهش

در زمینه‌ی بیماری‌های معنوی و عوامل آن پژوهش‌هایی انجام شده است. یوسفی و عبدالکریمی و نسایی (یوسفی و عبدالکریمی و نسایی، ۱۳۹۸، «مبانی سلامت معنوی در قرآن»، فیض، دوره‌ی۲۳، شماره‌ی۷، ص۸۱۰ تا ۸۱۶) آیاتی را که با سلامت معنوی بیشتر مرتبط بودند، مطالعه کردند و نتیجه گرفتند: «پرداختن به سلامت معنوی از منظر قرآن به شناخت حقیقت انسان و دستیابی او به کمال و آسایش در جهان و آخرت منجر خواهد شد و توجه به این آیات، انسان را در صراط مستقیم الهی قرار داده، زندگی را هدفمند و گوارا می‌کند.» معارف و اسدی (معارف و اسدی، ۱۳۹۶، «عوامل دستیابی به سلامت معنوی از منظر قرآن و حدیث»، بصیرت و تربیت اسلامی، دوره‌ی۱۴، شماره‌ی۴۱، ص۹ تا۴۰) به این نتیجه دست یافتند: «بر اساس آیات و روایات، در حوزه‌ی اعتقادی، ایمان، تقوا، توکل بر خدا و معادباوری و در حوزه‌ی عملی، ذکر، اقامه‌ی نماز، تلاوت قرآن، دعا، توسل و ازدواج، از راه‌های دستیابی و تقویت سلامت معنوی در انسان هستند.» اصفهانی (اصفهانی، ۱۳۸۹، «سلامت معنوی و دیدگاه‌ها»، اخلاق پزشکی، دوره‌ی۴، شماره‌ی۱۴، ص۴۱ تا ۴۹) نتیجه گرفت: «اینک دوران سازش و تعامل فعال دو حوزه‌ی دین و معنویت از یک سو و علوم انسانی و سلامت از سوی دیگر است و پیروان همه‌ی ادیان الهی علی‌رغم تحریف های بسیار، عموماً می توانند به تعریف نسبتاً یکسانی از سلامت، ابعاد معنوی سلامت و سلامت معنوی نزدیک شوند.» بوالهری (بوالهری، ۱۳۸۹، «نهادینه‌سازی معنویت در مفهوم سلامت معنوی»، اخلاق پزشکی، دوره‌ی۴، شماره‌ی۱۴، ص۱۰۵ تا ۱۱۲) نوشت: «خانواده‌درمانی با رویکرد معنوی، کتاب‌درمانی با مطالعه‌ی متون مقدس و معنوی، درمان و شفا در اماکن و محافل معنوی و نیز سبک زندگی معنوی در تأمین سلامت افراد نقش شایانی دارد. آموزش و درمان معنوی کار متخصصان معنوی است؛ اما درمان، مشاوره و آموزش رفتار سالم با رویکرد معنوی وظیفه‌ی متخصصان دانشگاهی است.» در همین راستا، اندیشمندان اسلامی از جمله علامه حسن‌زاده آملی در آثار علمی خود به عوامل بیماری معنوی و سقوط انسان بر اساس قرآن و روایات پرداخته‌اند. از منظر ایشان، سقوط انسان به عواملی مانند غفلت، تزاحم شهوات، لذّت شکم و شهوت و گناهان زبان گره خورده است. بررسی این عوامل در آثاری مانند مناسک حج، انسان و قرآن و نورٌ علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور بیان شده است (۵)؛ اما به صورت یکپارچه و مدوّن در یک اثر به چشم نمی خورد. از نظر علامه مصباح یزدی، مهم‌ترین عامل بیماری معنوی و سقوط انسان بنابر آنچه در منابع دینی آمده، غفلت از خود و خدای خود است که این غفلت نیز به عواملی همچون توجّه به هوای نفس، مادّیات و ظواهر زندگی، نبودن به یاد خدا و پرخوری بستگی دارد. علامه مصباح در آثار خود، از جمله اخلاق در قرآن، آیین پرواز، انسان‌سازی در قرآن، بر درگاه دوست، کاوش‌ها و چالش‌ها، به عواملِ سقوط انسان پرداخته است (۶)؛ اما در بین آثار این محقق نیز اثری که به‌صورت یکپارچه به عوامل بیماری معنوی و علل آن بپردازد، دیده نمی شود.

ضرورت و اهمیت پژوهش

از آنجایی که شناخت درستِ معنای سلامت و آگاهی از بیماری‌های جسمی و روحی در زندگی و دانستن علل آن، کمک فراوانی به وی برای فراهم‌آوریِ یک زندگی پرنشاط مادی و معنوی می کند، ضروری است تا زوایای این بحث در آثار علامه حسن‌زاده و علامه مصباح بررسی شود تا عواملِ زمینه‌ساز بیماری‌های معنوی و سقوط انسان از دیدگاه قرآن و روایات در اندیشه‌ی این دو محقق معاصر به‌صورت مقایسه‌ای روشن شود.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با جمع آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای سامان یافته است. تحقیقات علمی بر اساس ماهیت و روش به تاریخی، توصیفی، هم‌بستگی، تجربی و علمی تقسیم بندی می شوند. تحقیق توصیفی شامل روش هایی است که از آن برای توصیف نظام‌مند موقعیت یا

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

مبحث دل‌خواه به‌صورت دقیق استفاده می شود (۷). پژوهش توصیفی لزوماً در پی کشف و توضیح روابط هم‌بستگی‌ها و آزمودن فرضیه‌ها و پیش بینی رویدادها نیست، بلکه توجه بیشترِ آن به توصیف و گزارش نویسی وقایع بر اساس اطلاعاتی است که صرفاً جنبه‌ی توصیفی دارند (۸). پژوهش‌های توصیفی به دو نوع توصیفی محض و توصیفی‌تحلیلی تقسیم می‌شوند که در تحقیق توصیفی تحلیلی، نویسنده علاوه بر تصویرسازی آنچه هست، به تشریح و تبیین دلایل، چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله می‌پردازد (۹). نگارندگان با روش توصیفی‌تحلیلی و با استفاده از آیات مرتبط با علل بیماری معنوی و سقوط انسان با تأکید بر نظریه‌ی علامه حسن‌زاده آملی و علامه مصباح یزدی، اطلاعات را گردآوری کردند، سپس با توجه به اهداف تحقیق، آن‌ها را دسته‌بندی و تحلیل کردند؛ بنابراین، مراحلِ انجام پژوهش حاضر عبارت است از: ۱. مطالعه‌ی چهارچوب نظری و مفاهیم تحقیق؛ ۲. دسته‌بندی و بررسی دیدگاه علامه حسن‌زاده آملی و پاسخ به پرسش تحقیق و تحلیل آن؛ ۳. دسته‌بندی و بررسی دیدگاه علامه مصباح یزدی و پاسخ به پرسش تحقیق و تحلیل آن؛ ۴. تحلیل و نتیجه‌گیری.

مفهوم پژوهی

۱. «انحطاط» یا سقوط در لغت به معنای «پَست‌شدن»، «فروافتادن» و «به‌پستی‌گراییدن» آمده است (۱۰). انحطاط به‌معنای قبول نزول و سقوط هم آمده است، خواه مادّی، نظیر پرتاب شخص یا چیزی از بالا به پایین، خواه معنوی، نظیر پایین آوردن قیمت کالا (۱۱). این واژه در پژوهش حاضر، به سقوطِ معنوی اطلاق می شود که لازمه‌ی آن انحراف از حق و دورشدن از صراط مستقیم خواهد بود. تذکّر این نکته بایسته است که هرچند انحطاط و سقوط از یک نظر با هم تفاوت دارند و انحطاط به‌معنای «پذیرش سقوط» و سقوط «نتیجه‌ی انحطاط» است، در فهم عرف، این دو واژه یکسان تلقّی می شوند و عرف تفاوت چندانی میان این دو واژه نمی بیند؛ البته می‌توان «سقوط» را ناظر به نتیجه‌ی انحطاط هم به حساب آورد؛ اما انحطاط در اصطلاح، در حقیقت، همان سقوطِ اخلاقی و سقوط از مقام و جایگاه انسانی است که در برابرِ کرامت انسانی قرار می گیرد. همان کرامتی که یکی از شاخصه‌های مهم حقیقت انسان به شمار می‌آید (۱۲).

۲. «بیماری معنوی» عبارت است از اینکه قلب دچار نوعی تردید و اضطراب شود و مسئله‌ی ایمان به خدا و اطمینان از آیات او را کِدِر کند و ایمان در آن قلب آمیخته با شرک شود. آنچه از عرف و اصطلاح قرآن کریم استنباط می شود، آن است که مرض قلب عبارت است از: شک و تردیدی که بر درک آدمی از آنچه مربوط به خدای تعالی و آیات اوست، چیره می‌شود و نمی‌گذارد قلب با آن معارف که همان عقاید دینی است، جوش بخورد و انسانی که به آن شک و تردید مبتلا است، قلبش به‌روی خدا و آیاتش بسته است. در مقابل، سلامتی قلب یعنی اینکه قلب در جایی قرار گیرد که خلقتش در همان‌جا بوده است. به عبارت دیگر، قلب راه میانه را از دست ندهد و بازگشت این حالت به خلوص قلب در توحید خداوند و اعتماد به اوست (۱۳). این نکته در آیه‌ی «یَوْمَ لا یَنْفَعُ مالٌ وَ لا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَی اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِیمٍ» (شعراء: ۸۸ – ۸۹) به چشم می‌خورد.

یافته‌ها

بررسی علل سقوط انسان از منظر قرآن در اندیشه‌ی علامه حسن‌زاده آملی

علامه حسن‌زاده آملی علّت اصلی سقوط انسان‌ها را غفلت از یاد خداوند می داند که به‌دلایل مختلفی به وجود می آید. وی در کنار عامل غفلت، عوامل دیگری را نیز ذکر می کند.

تزاحم شهوات

تزاحم به تمانع و نبود امکان جمع بین دو حکم در مقام انجام عمل گفته می‌شود که درباره‌ی آن در اصول فقه و فقه بحث شده است (۱۴) و محل بحث بناست بین دو خواسته‌ی درونی انسان رخ دهد؛ زیرا دنیای مادّی محل ابتلا به انواع آرزوهای طولانی است و هر آرزو با آرزو و میل دیگری در تزاحم و تقابل است و این درگیری و

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

دغدغه در صورت تصمیم گیریِ غلط و نامناسب می تواند عاملی در فراموشی یاد خداوند و سپس، سقوط در ورطه‌ی هلاکت باشد. این جهان مادّه و حرکت که خدا دار فتنه و امتحان را در آن قرار داده است، گویی میدان جولان امیال مختلف و صحنه‌ی دواعی و اغراض متعارض است و تزاحم شهوات موجب غفلت از خدا و منشأ انواع ظلم و جور و طغیان و عصیان است (۱۵)، پس وای بر سخت دلانی که یاد خدا در دل‌هایشان راه ندارد، اینان در گمراهی آشکار هستند. پروردگارت را در دل خود به تضرّع و ترس، بی آنکه صدای خود را بلند کنی، هر صبح و شام یاد کن و از غافلان مباش (۱۶).

نبودن به یاد خدا و نگفتن ذکر خدا

یاد خداوند در همه‌ی امور زندگی کلید اصلی در هر خیر و صلاحی است که در منابع دینی ما هیچ حدّ و اندازه‌ای برایش قرار نداده‌اند. خداوند در هرچیز به کم اکتفا کرده و حدّ برای آن معیّن فرموده است؛ مثلاً نماز پنج مرتبه، روزه یک ماه، زکات از نصاب مقدار معیّنی؛ ولی برای ذکر خویش هیچ حدّی معیّن نفرموده است. مشخص‌نبودن حدّ ذکر برای این است که انسان باید جزئیّات کار خود را موافق با حکم الهی قرار دهد و همواره با حفظ مراقبت و حضور به یاد حق سبحانه باشد (۱۷). دورترین مردم از خیر و سعادت آن کسانی‌اند که تمام عمر، همّتشان صرف لذّات شکم و شهوت شود و از یاد خدا غافل باشند. در حدیثی از پیامبر خداست که فرمودند: «مَنِ اِتَّقَی مِنْ مَئُونَهِ لَقْلَقِهِ وَ قَبْقَبِهِ وَ ذَبْذَبِهِ دَخَلَ اَلْجَنَّهَ» (هرکس زبان و شکم و شهوت خود را حفظ کند، داخل بهشت می شود) (۱۸) و (۱۹).

گناهان زبانی

از دیگر عوامل غفلت کنترل نکردن زبان است به‌گونه ای که دیگران از زبان و گفتار فرد در امان نباشند و این امر غفلت و بی‌توجهی از یاد خداوند را به دنبال خواهد داشت. در احادیث نبوی آمده است که غیبت و دروغ و استهزای مردم و لغوگویی و دیگر گناهانِ زبان موجب هلاکت انسان و محروم‌شدنش از سعادت بهشت رضوان است. دائم به یاد خدا بودن و ذکر حق را بر دل و زبان داشتن قوّت روح قدسی انسان است و کلید هر خیر و صلاح (۲۰).

توجّه به مادّیات

عامل دیگری که موجب غفلت می شود، توجه بیش از حد به مادّیات و استفاده نکردن از آن‌ها در راه پروردگار است. آنان‌که زر و سیم را بند کرده‌اند، بنده‌ی روزی‌اند، نه روزی دهنده و دونانی که به جمع مال، جمعی را پریشان کرده‌اند، پریشانی در پیش دارند. هرچند مالشان فتح و فراوان باشد، عاقبت آن محق و خسران است که «یَمْحَقُ اللّهُ الرِّبا» و احسان و صدقه هرچند اندک باشد، بسیار است که «یُرْبِی الصَّدَقاتِ» (۲۱).

تلاوت‌نکردن قرآن

از نشانه‌های دیگر غفلت انسان بی توجهی و مهجورقراردادنِ قرآن، این کتاب توحیدی و راهگشاست که برای تمامی مراحل زندگی انسان‌ها برنامه دارد و سفره‌ی پررزق الهی است. پیامبر خدا فرمودند: «أَلْقُرْآنُ مَأْدَبَهُ اللّهِ فَتَعَلَّمُوا مَأْدَبَتَهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ، إِنَّ هذا الْقُرْآنَ هُوَ حَبْلُ اللّهِ، وَهُوَ النُّورُ الْمُبِینُ، وَالشِّفاءُ النّافِعُ فَاقْرَؤُوهُ» (قرآن مرکز تربیت الهی است، پس درحدّ توان، ادب آن را بیاموزید، این قرآن ریسمان الهی و نور نمایان و مایه‌ی شفای مفید است، پس آن را بخوانید) (۲۲). قرآن معراج معارف است، هرکس از این دستور استوار الهی به هر اندازه بهره برده است و هم‌درجات قرآن شده است، به همان اندازه انسان است و به همان اندازه بهشتی و حتی بهشت است. درجات به صعود انسان اشاره می‌کند. انسان که بالا می‌رود، درجات را می پیماید. درکات در مقابل درجات است که به سقوط و هبوط انسان اشاره می‌کند. انسان که پایین می آید، درکات را طی می‌کند و جهنّم را درکات است (۲۳).

ظلم به دیگران

ظلم به دیگران، به‌خصوص ظلم به مظلومان و

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

زیردستان، عاملی بسیار مهم در غفلت از یاد پروردگار است؛ زیرا دادخواهِ مظلومان خداوند است و شخص با فراموش کردنِ این نکته، به دیگران ظلم می کند و با ظلم به دیگران، غفلت از یاد خدا نیز در او بیشتر می‌شود. در روایتی از امام باقر (ع) آمده: «عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ عَلَیْهِ اَلسَّلاَمُ قَالَ: لَمَّا حَضَرَ عَلِیَّ بْنَ اَلْحُسَیْنِ عَلَیْهِمَا اَلسَّلاَمُ اَلْوَفَاةُ ضَمَّنِی إِلَی صَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ یَا بُنَیَّ أُوصِیکَ بِمَا أَوْصَانِی بِهِ أَبِی عَلَیْهِ اَلسَّلاَمُ حِینَ حَضَرَتْهُ اَلْوَفَاةُ وَ بِمَا ذَکَرَ أَنَّ أَبَاهُ أَوْصَاهُ بِهِ قَالَ یَا بُنَیَّ إِیَّاکَ وَ ظُلْمَ مَنْ لاَ یَجِدُ عَلَیْکَ نَاصِراً إِلاَّ اَللَّهَ » (۲۴). امام سجاد (ع) در وقت شهادت خویش، امام باقر (ع) را به سینه‌ی مبارک چسباند و فرمود: «پسرم، تو را وصیت می کنم به آنچه پدرم به من هنگام شهادتش وصیت فرمود: [پدرم سیدالشهدا (ع) به من فرمود:] "بپرهیز از ظلم بر کسی که یاور و دادرسی جز خدا ندارد".» علامه حسن‌زاده در این باره می نویسد: «عدالت یگانه وسیله‌ی حفظ دُوَل است چنان‌که از سوی دیگر، ظلم یگانه موجب انحطاط ملت‌ها می باشد» (۲۵). چنان‌که برخی گفتند: «ظلمُ المرء یوبقه و یصرعه» (۲۶) (ظلمِ انسان موجب هلاکت و سقوط اوست) و در جای دیگر، در بیان ثمره‌ی عدالت آمده: «العدل قوام الرعیه» (۲۷) (عدالت نگهبان خلق است).

بی‌توجّهی به نماز

از امور غفلت آفرین در اندیشه‌ی حسن‌زاده آملی، بی توجهی و کم‌توجهی به نماز است؛ زیرا نمازِ باتوجه بهترین و کامل‌ترین ذکر زبانی و عملی برای مسلمانان است. آن‌که در ارتباطِ بی تکلّف و بی قیاس خویش با پروردگارش درست بیندیشد، به‌راحتی درمی‌یابد که صلاة سبب مشاهده است و مشاهده‌ی محبوب قرة عین مُحبّ است و این امر موجب یقظه و بیداری همیشگی و مانع از غفلت است. همان غفلتی که بالاترین نوع بیماری روحی و زمینه‌ساز قطعی سقوط خواهد بود. رسول خدا فرمودند: «جُعلت قرة عینی فی الصلوة» (۲۸)؛ چراکه صلاة مناجات بین حق‌تعالی و عبد اوست و چون صلاة مناجات است، ذکر حق است و ذاکرِ حق هم‌نشین حق است و حق جلیس اوست و کسی که جلیس ذاکر خود است، او را می بیند، وإلا جلیس او نیست (۲۹). امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «مَا کُنْتُ أَعْبُدُ رَبّاً لَمْ أَرَهُ » (من آن نیستم که پروردگاری را بپرستم که ندیده‌ام) (۳۰).

بررسی علل سقوط انسان از منظر قرآن در اندیشه‌ی علامه مصباح یزدی

از منظر علامه مصباح یزدی، اصلی ترین عاملِ سقوط انسان به ورطه‌ی گناه و شقاوت غفلت است. ایشان به بیان‌های مختلف و در آثار گوناگون خویش از این عامل یاد می کند و بیان می‌کند که غفلت شخص از خود و خدا سبب می شود به انواع گناهان مبتلا شود که نتیجه‌ی آن افتادن در پرتگاه گناه و نابودی است (۳۱). اگر بخواهیم با صرف‌نظر از آیات و روایات و صرفاً با اتّکا به عقل تحلیل کنیم که چه‌چیز باعث می‌شود انسان هم‌پای حیوانات و بلکه بدتر از آن‌ها بشود، ممکن است گفته شود: غفلت از «خودِ انسانی‌اش». اگر انسان «خودِ انسانیِ» خویش را فراموش کند، به چنین ورطه‌ای از سقوط گرفتار می‌آید.

استاد مصباح در توضیح «خودِ انسانی» می‌نویسد: «ما در بسیاری از چیزها با سایر حیوانات مشترکیم؛ مانند احساس گرسنگی و تشنگی و نیاز به استراحت و داشتن غریزه‌ی جنسی. قطعاً مراد از توجّه‌داشتن توجه به این قبیل امورِ حیوانی نیست. باید چیزهایی را پیدا کنیم که «انسانیتِ انسان» بسته به آن‌هاست. غفلت از آن دسته از اموری است که انسان را از انسانیّتش تنزل می‌دهد و به جرگه‌ی حیوانات و بلکه بدتر از آن‌ها وارد می‌کند» (۳۲). باید توجه کنیم که بسیاری از مشکلات دنیوی و اخروی ما مولود غفلت و بی‌توجهی است و چون غرق در غفلت هستیم، هرگز احساس درد و خطر نمی‌کنیم و ذرّه‌ای توجّه نداریم. امام خمینی (ره) در کلمات خود، بعضی از واژه‌ها را زیاد به کار می‌بردند، از آن جمله همین کلمه‌ی «توجه» است. اگر در کلمه‌ها و موعظه‌های امام خمینی (ره) دقت کرده باشید، می‌بینید که ایشان مکرر می‌فرمودند: «آقایان توجه داشته باشید و عنایت

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

بفرمایید...» (۳۳). قرآن کریم یکی از اهداف خود را نجات انسان‌ها از غفلت معرفی می کند: «تَنزِیلَ الْعَزِیزِ الرَّحِیمِ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ» (یس: ۵ - ۶) (قرآن فروفرستاده‌ی خدای شکست ناپذیر و مهربان است تا کسانی را که پدرانشان بیم داده نشده‌اند، بیم دهی؛ زیرا ایشان غافل‌اند). در این آیه‌ی شریفه، نجات مردم از غفلت هدف والای خداوند در قرآن قلمداد شده است (۳۴).

عوامل غفلت‌زا از منظر علامه مصباح یزدی (ره)

نبودن به یاد خدا و نگفتن ذکر خدا

در اندیشه‌ی علامه مصباح، یکی از عواملِ مهم ایجاد غفلت در وجود انسان‌ها، خدافراموشی در طول زندگی است. از آنجایی که خداوند فطرت انسان‌ها را بر اساسِ دوستی و محبت خویش آفریده، ضروری است که همواره این ریسمان محبت و مودّت فطری که در سرشت وی نهادینه شده، میان انسان و خدایش وجود داشته باشد تا بتواند به کمال و سعادت ابدی نائل شود. «وَ لکِنَّ اللهَ حَبَّبَ إِلَیْکُمُ الْإِیمانَ وَ زَیَّنَهُ فی قُلُوبِکُمْ وَ کَرَّهَ إِلَیْکُمُ الْکُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْیانَ أُولئِکَ هُمُ الرَّاشِدُونَ» (حجرات: ۷) ولی بسیاری از اوقات، پرده‌ی غفلت چشمِ دل انسان را می‌پوشاند و آدمی از مطالبی که در مسیر سعادتش می‌داند، غافل می‌شود؛ از این رو، بخشی از معارف قرآن یادآوری و ذکر است از آنچه عقل خود به‌تنهایی قادر به درک آن است (۳۵). غذای روح ذکر و یاد خداست و بین حیات دل و یاد خدا رابطه وجود دارد. همین قلب به‌گونه‌ای است که اگر شخص از آن محافظت نکند و آفات و سموم را از آن دور نکند، چنان فاسد می شود و تا بدان‌جا پیش می رود که از خدا بیزار می شود: «إِذَا ذُکِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِینَ لاَ یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ» (زمر: ۴۵) (و چون خدا به‌تنهایی یاد شود، دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند، منزجر می شود). با اینکه خداشناسی و خداطلبی در فطرت انسان است و طبیعت اولیه‌ی ما به‌گونه‌ای خلق شده که خدادوست و خداآشناست، سموم آنچنان آن را منحرف و آلوده کرده که وقتی نام خدا را می‌برند ناراحت می‌شود (۳۶). از دیگر دلیل‌های سفارش به یاد پروردگار و تداوم بر آن زدودن غفلت و دورکردن انسان از رذیلت‌ها و کاستی‌های اخلاقی و در نتیجه، رسیدن به سعادت و خوشبختی است؛ زیرا اگر آدمی اهلِ ذکر نباشد یا به ذکر اندک بسنده کند، دچار غفلت می‌شود و در غیاب توجه به خداوند، وسوسه‌های شیطانی بر او هجوم می‌برند. پس اگر انسان همواره به یاد خداوند باشد و خود را در پیشگاه حضرت حق حاضر ببیند، از غفلت و رفتاری که خلاف رضای اوست، دوری می‌گزیند و نفسش از سرکشی باز می‌ایستد (۳۷). بر این اساس، خداوند نیز درباره‌ی اهمیت تکرار ذکر می‌فرماید: «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اذْکُرُوا اللَّهَ ذِکْراً کَثِیراً» (احزاب: ۴۱) و در جایی دیگر، ذکر خداوند را سبب آمرزش گناهان می داند که در نهایت، سعادت و عاقبت‌به‌خیری را به دنبال خواهد داشت. «وَ الَّذِینَ إِذا فَعَلُوا فاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَکَرُوا اللهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَنْ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ اللهُ» (آل عمران: ۱۳۵) (و آنان که چون کار زشتی کنند یا بر خویش ستم روا دارند، خدا را به یاد آرند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند و چه کسی جز خداوند گناهان را می‌آمرزد؟) از این آیات استفاده می‌شود که انسان تا به یاد خداست و خود را در محضر او می‌بیند، مرتکب گناه نمی شود. ارتکاب به گناه زمانی است که شخص خدا را فراموش کند و گرفتار غفلت شود (۳۸). از جمله موانع ذکر خدا رفاه‌زدگی و توجه افراطی به دنیاست. خدای متعال در این باره می‌فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لاتُلْهِکُمْ أَمْوالُکُمْ وَلا أَوْلادُکُمْ عَنْ ذِکْرِ اللهِ وَمَنْ یَفْعَلْ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ الْخاسِرُونَ» (منافقون: ۹) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و فرزندانتان شما را از یاد پروردگار غافل نکند. کسانی که چنین کنند، از زیان کاران‌اند). گرایش‌های افراطی مادی و دنیوی و توجه بیش از حدّ به اموال و اولاد، روح انسان را آلوده می‌سازد و صفا و جلای آن را از بین می‌برد. اگر غفلت از یاد خدا به‌هنگام درمان نشود، انسان در دو جهان زیان‌کار می شود. همچنین، غفلت از یاد خدا باعث می شود که انسان از اهداف اصلی حیات باز بماند و به مسائلی که به همین حیاتِ محدود و چندروزه

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

مربوط می‌شود و تباهی جاودانه را در پی دارد، مشغول شود. لازم است ذکر کنیم که یکی دیگر از موانع یاد خدا ظاهربینی و جدّی نگرفتن حیات است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «يَعْلَمُونَ ظاهِراً مِنَ الْحَياةِ الدُّنْيا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غافِلُونَ» (روم: ۷) (۳۹).

پرخوری و شکم‌پروری

شکم پروری از دیگر عواملی است که سبب غفلت انسان از خود و خدایش می شود؛ زیرا معمولاً پرخوری‌ها سبب امراض متعدد جسمانی می شوند که افرادِ ضعیف النفس تحمل آن را ندارند و در نتیجه، زبان به شِکوِه می‌گشایند. پرخوری و شکم‌پروری مفاسد و عوارض سوء جسمی و روحی زیادی را برای انسان به دنبال می‌آورد، آدمی را از خدایش غافل، توجّهات معنوی و قلبی را کم، قدرت فکر و تأمّل و اندیشه را ضعیف و دیگر ابعاد روحی را در او حقیر و ناچیز می‌کند و در مقابل، شهوات نفسانی را بالا می‌برد و ابعاد حیوانی انسان را تقویت می‌کند. می دانیم که به‌طور یقین، تکامل معنوی انسان در بیشتر اوقات، متوقّف بر صحّت و سلامتی اوست و کسی که از سلامتی جسمی مطلوبی برخوردار نباشد، نه‌تنها در زندگی مادّی، بلکه در زندگی معنوی نیز غالباً از قافله عقب می‌ماند؛ چراکه زندگی مادّی انسان مقدمه‌ی اصلی و شرط لازم تکامل روحی و معنوی وی به شمار می‌رود. در روایاتی نیز برای رسیدن به حکمت و یافتن کمالات روحی و اخلاقی، بر خالی بودن شکم و گرسنگی به عنوان پیش شرط تکیه شده است. اگر سیری با این‌گونه کمالات تزاحمی نمی‌داشت و بدون تحمّل گرسنگی هم امکان این بود که انسان به چنین مقامات انسانی و الهی واصل شود، هیچ گاه به کم‌خوردن توصیه نمی‌شد؛ زیرا خداوند هیچ بخلی ندارد و از خزائن نامحدود او چیزی کم نمی‌شود که بیهوده مانع تنعّم و بهره‌مندی انسان‌ها شود (۴۰).

پیروی از شیطان و هواهای نفسانی

از دیگر عوامل غفلت که خود شخص موجب بروز آن می شود، تبعیّت از شیطان و هواهای نفسانی است که به دلیل رفتار و عملکرد وی به وجود می آید و آن‌چنان شخص مشغول پیروی از شیطان و هواهای نفس می‌شود که در اندک‌زمانی خدا را فراموش خواهد کرد. از بررسی آیات مربوط می‌توان دریافت که شیطان از طریق هواهای نفسانی در انسان نفوذ می‌کند و کار و تلاش وی را تأیید می‌کند و مسیر وی را تغییر می‌دهد، کارهای زشت را در نظر انسان می آراید و وی را در انجام‌دادن آن تثبیت می‌کند و در مقابل نیز او را می‌ترساند و از کارهای خیر باز می‌دارد و مسیرش را تغییر می‌دهد (بقره: ۲۶۸). انسان وقتی تحت‌تأثیر وسوسه‌های شیطان، توجّهش به مادیات و لذایذ دنیا جلب شد، از خدا غافل می‌شود، آن‌گاه در دل او جایی برای خدا باقی نخواهد ماند. در قرآن، در این زمینه آمده: «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ» (احزاب: ۷۳) (خداوند برای هیچ مردی در درونش دو قلب قرار نداده است)؛ بنابراین، قلب آدمی یا جایگاه خداوند است یا جایگاه غیر او که بنابر آیات قرآن، اولین و بدترین چیزی که جایگزین خداوند در قلوب آدمیان می‌شود، شیطان است که با دورزدن پیرامون قلوب خالی از خداوند، به مرور زمان، بر شخص مسلط می‌شود. چنان‌که خداوند در همین زمینه می‌فرماید: «إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُم بِهِ مُشْرِكُونَ» (نحل:۱۰۰)؛ بنابراین، نخست انسان است که از خدا غافل می‌شود؛ ولی پس از غفلتش از خدا، شیطان است که همدم و همراه او خواهد شد (۴۱).

دل‌بستگی به دنیا و مظاهر زندگی و رفاه‌طلبی

یکی دیگر از عوامل غفلت زا در انسان، توجه بیش از حد به دنیا و مسائل دنیوی است. تا جایی که در برخی از روایات، این امر رأس هر خطایی شمره شده است (۴۲). بنابر تعالیم دینی، انسان برای این دنیا خلق نشده، بلکه باید از این دنیا عبور کند و به برکات و سعادت آن دنیا نائل شود؛ ولی زرق و برق این دنیا و مشکلات ناشی از آن، افراد زیادی را به خویش مشغول می کند. آنچه موجب می شود که انسان از اندیشه در کمالات والای انسانی غافل شود، دل‌بستگی به دنیا و لذت‌های گذرای دنیوی است. مادامی که این

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

دل‌بستگی‌ها وجود دارند، از این امور بی خبریم (۴۳).

یکی از مواردی که موجب غفلت دانسته شده و به آن هشدار داده شده است، توجه به مظاهر زندگی مادی نظیر مال، ثروت و زن و فرزند است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تُلْهِکُمْ أَمْوالُکُمْ وَ لا أَوْلادُکُمْ عَنْ ذِکْرِ اللّهِ» (منافقون: ۹) (۴۴).

آرزوهای طولانی ناپسند که از دنیادوستی و عامل غفلت از خدا برخاسته، آن دسته از آرزوهایی است که چه بسا سراسر عمر انسان را به خود اختصاص می‌دهد و فکر و ذهن انسان را مشغول خویش می‌سازد و توجه آدمی را کاملاً معطوف به دنیا می‌کند و باعث انحراف از حق می‌شود (۴۵).

خودپرستی

یکی دیگر از عواملی که نقشی اساسی در غفلت و بی توجهی انسان به یاد خداوند دارد، توجه بی‌نهایت وی به خود است.

استاد مصباح ریشه‌ی همه‌ی کفرها را «خودپرستی» می‌داند. ایشان در این رابطه می‌نویسد: «فرد در هر مرتبه‌ای از مراتب شرک و کفر خفی و جلی که باشد، به همان نسبت دچار خودپرستی است.» اگر بخواهیم ملاکی داشته باشیم که مشخص کند هریک از رفتارهای ما روی قوس صعود و تکامل است یا روی قوس سقوط و تنازل، باید ببینیم این کار را واقعاً چون «خداوند» خواسته انجام می‌دهیم یا چون «خودمان» می‌خواهیم؛ به‌هرحال، از تسویلات نفس نباید غافل بود. خلاصه اینکه نقطه‌ی اوج ترقّی و تکامل انسان قرب به خداوند است و آن هم یک راه بیشتر ندارد و آن هم خداپرستی است. نقطه‌ی مقابل آن نیز سقوطی است که انسان را تا اسفل‌السّافلین فرود می‌آورد و آن هم یک راه دارد که آن خودپرستی است (۴۶).

نتیجه‌گیری

شناخت صحیح معنای بیماری معنوی و سلامت دینی و همچنین، غفلت و عوامل آن در زندگی، یکی از راه‌های اساسی برون رفت از مشکلات روحی و درنیفتادن در ورطه‌ی سقوط و در نتیجه، نیک‌فرجامی است؛ از این رو، فراگیری این امور برای هر فرد مسلمانی لازم است. از نگاه قرآن کریم، انحطاط و سقوط اخلاقی که باعث سقوط انسان از مقام و جایگاه انسانی می‌شود، به عوامل مختلفی بستگی دارد. آیات متعددی از قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) این عوامل را معرفی کرده‌اند که در این تحقیق بدان‌ها اشاره شد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می دهد که از منظر علامه حسن‌زاده آملی، غفلت در کنار سایر علل و در عرض آن‌ها، یکی از عواملِ بیماری معنوی و در نتیجه، سقوط انسان محسوب می شود؛ مانند: تزاحم شهوات، گناهان زبان، ظلم رواداشتن به دیگران و بی‌توجهی به نماز که هریک از این موارد خود موجب بیماری معنوی و سقوط شخص در ورطه‌ی هلاکت و تیره‌روزیِ وی در دنیا و آخرت خواهد شد؛ اما از دیدگاه علامه مصباح یزدی، یگانه عاملِ این بیماری معنوی و در نتیجه، شقاوت وی، غفلت از خود و خالق است که به‌دلایل متعدد، از جمله توجّه بیش از حد به مادّیات و ظواهر زندگی، طمع، پیروی از شیطان و هوای نفس و پرخوری و آرزوهای طولانی در انسان پدید می‌آید؛ فلذا سایر علل در طول عامل غفلت واقع می شوند، نه در عرض آن. از نظر نگارندگان، تفاوت مبنایی از حیث اصلِ اثرگذاریِ عوامل بیماریِ معنوی در سقوط انسان از منظر قرآن و روایات، میان این دو اسلام‌شناس نیست و فقط یک اختلاف‌نظر در استنباطِ ریشه‌ی عوامل میان این دو فیلسوف وجود دارد؛ لکن بنابر آنچه از منابع دینی به دست می آید و پژوهش حاضر حاکی از آن است، دیدگاه علامه مصباح با این مبانی سازگارتر است.

پیشنهادات

با عنایت به تحقیق حاضر که تنها بخشی از موضوع وسیع مورد بحث را در برداشت و نتایج حاصل از آن و به‌خاطر اهمیت بالایی که موضوع پژوهش در دین و دنیای انسان‌ها دارد، پیشنهاد می شود کـه صاحب نظران علم اخلاق درباره‌ی بیماری‌های معنوی و علل آن، برگرفته از آیات و روایات و آثار خطرناک فردی و اجتماعیِ آن و راه‌های رهایی از آن‌ها به‌صورت جداگانه و

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

عمیق یا به‌روش مقایسه‌ای میان سایر اندیشمندان پژوهش و مداقّه کنند، سپس با روش‌های نوین و اثربخش به مخاطب‌ها و جامعه‌های هدف ارائه دهند. امیدواریم که این کار مایه‌ی اثربخشی و نجات باشد.

حمایت مالی

این پژوهش بدون هیچ‌گونه حمایت مالی به انجام رسیده است.

ملاحظات اخلاقی

نویسندگان اعلام می کنند که در این پژوهش، تمامی اصول اخلاقی لازم، به‌خاطر بهره‌جویی از متون مرتبط به اندیشمندان، مراعات شده و سعی شده است که تمامی مطالب به‌صورت متقن و کاملاً مستند ذکر شود.

تعارض منافع

نویسندگان پژوهش بیان می کنند که در پژوهش حاضر، هیچ تعارض منافعی وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

ما، نویسندگان، وظیفه‌ی خود می دانیم از تمامی کسانی که در تدوین این تحقیق ما را یاری کرده‌اند، نهایت سپاسگزاری و قدردانی را به عمل آوریم.

References

1. Sharif Razi, (Nahj al-Balaghah) Muhammad bin Hossein, Sobhi Saleh. Hijrat. 252, sermon 176 - 223, sermon 158 - 219, sermon 156, Sermon 108 - 243, Sermon 168.
2. Koleyni M. Esoul Kafi. Dar al-Katb al-Islamiyya. 273-409.
3. Shujaei Tehrani H, Ebadi Fardazer F. General Health Services Textbook of Preventive and Social Medicine. 2010; 29.
4. Abdul Rahimi M. The position of "health" in Islam and explaining the role of heart and intellect in "spiritual health". Insight and Islamic education. 2014; 12(32): 75-108. https://sid.ir/paper/249617/fa
5. Hassanzadeh Amoli H. (Hajj Rites) -101. (practical wisdom) - 24 -146 - 149. (Noor Ala Noor in Zikr and Zakir and Mentioned). 111-113
6. Mesbah Yazdi MT. (Ethics in the Qur'an), Volume 2, - 200. (Humanization in the Qur'an), - 122 (explorations and challenges), volume 1-144. (to him), - 83. (On the door of a friend - 237.
7. Mahmoudi R. Introduction to research methodology. Bal Publications. 2017.
8. Naderi A. Research methods and how to evaluate them in humanities. Arsbaran Publications. 2018.
9. Bazargan A, Sarmad Z, Hijazi E. Research methods in behavioral sciences. Aghah Publications. 1997.
10. Esfahani R. (Vocabulary in the Strange Qur'an) Vocabulary of the Words of the Qur'an. Al-Razwieh Library for Revival of Al-Jaafari's Works. 2008; 507.
11. Fayyumi A. (Al-Masbah Al-Munir), Beirut, Lebanon, Al-Maktabeh Al-Asriya, 1428, material of (Hatta).
12. Rukanaldini SH. Causes of the Decline and Fall of Societies from the Viewpoint of the Qur'an.Center for Islamic Research in Radio and Television. 2004.
13. Tabatabai SMH, Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an. Islamic Publications Office. 1417; 377-8.
14. Fayyumi A. Al-Masbah Al-Munir. Al-Maktabeh Al-Asriya. 1428-132
15. Hassanzadeh Amoli H. practical wisdom. A Lam Meem. 2005; 101.
16. Hassanzadeh Amoli H. practical wisdom. A Lam Meem. 2005; 146–149.
17. Hassanzadeh Amoli H. Hajj Rites. Lam Meem. 2013–95.
18. Sho'airi M. undated. Jamee al-Akhbar. Al-Ma'tbah al-Haydriya.
19. Majlisi MT. Bihar al-Anwar al-Jamaa leder Akhbar al-Imam al-Athar. Dar Ihya al-Trath al-Arabi. 1440 – 28.
20. Hassanzadeh Amoli H. Noor Ala Noor in Zikr and Zakir and Mentioned. Al Lam Mim. 2006; 111-113.
21. Hassanzadeh Amoli H. one thousand and one words. Bostan Kitab Qom. 2019; 181.
22. Mohammadi Ray Shahri M. Mizan al-Hikmah. Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute. 2007.
23. Hassanzadeh Amoli H. Noor Ali Noor in Zikr and Zakir and Mentioned. Al Lam Mim, 2006; 96.
24. Koleyni M. Esoul Kafi. Dar al-Katb al-Islamiyya. 1986; 331.
25. Hassanzadeh Amoli H. practical wisdom. A Lam Mim. 2016; 24.
26. Tamimi Amodi A. Gharr al-Hukm and Dar al-Kalam. Dar al-Kutb al-Salami. 1410-441.
27. Nouri H. Mustadark al-Wasail and Mustabt al-Masal. Al-Al-Bait Lahaya Al-Tarath

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]

Institute,1986; 5: 318.
28. Koleyni M. Esul Kafi. Dar Al-Katb al-Islamiya. 1986; 2: 321.
29. Hassanzadeh Amoli H. one hundred words in self-knowledge. Al-Lam Mim. 2009; 54.
30. 30 - Faiz Kashani M. Al-Wafi. Imam Amirul Mominin Ali School – 382 and al-Kafi. 1991; 1: 97.
31. Mesbah Yazdi MT. to him. Publications of Imam Khomeini Education and Training Institute, 1382 – 92 – 109 – 112 – 141. and (flight ritual), 3rd edition, The seventh edition Qom, Publications of Imam Khomeini Education and Training Institute, 1385 – 86
32. Mesbah Yazdi MT. to him. Publications of Imam Khomeini Education and Training Institute. 2003; 83.
33. Mesbah Yazdi MT. Pand Javid. Imam Khomeini Education and Training Institute Publications 2015– 45.
34. Mesbah Yazdi MT. Quranology 2, Quranic Studies 6. Imam Khomeini Education and Training Institute Publications. 2015; 23.
35. Mesbah Yazdi MT. Mullah's Message on the Bed of Martyrdom. Imam Khomeini Education and Training Institute Publications. 1388- 198.
36. Mesbah Yazdi MT. explorations and challenges. Imam Khomeini Education and Training Institute Publications. 2003; 1: 144.
37. Mesbah Yazdi MT. The best and the worst from the point of view of Nahj al-Balagheh. Imam Khomeini Education and Training Institute Publications. 2013; 70.
38. Mesbah Yazdi MT. Remembrance of God. Imam Khomeini Education and Training Institute Publications, 2005; 57.
39. Mesbah Yazdi MT. Yad O. Imam Khomeini Education and Training Institute Publications. 2005; 117 – 118.
40. Mesbah Yazdi MT. Ethics in the Qur'an. Imam Khomeini Educational and Educational Institution Publications.2015; 2: 200.
41. Mesbah Yazdi MT. Ethics in the Qur'an. Imam Khomeini Educational and Educational Institution Publications. 2016; 121-122.
42. Majlesi MB. Bihar al-Anwar al-Jamaeeh Lederer Akhbar al-Imam al-Athar. Dar Ihya al-Trath al-Arabi. 67: 1440 - 59.
43. Mesbah Yazdi MT. On the door of a friend. Imam Khomeini Education and Training Institute Publications. 2002; 237.
44. Mesbah Yazdi MT. to him. Publications of Imam Khomeini Education and Training Institute. 2002; 103.
45. Mesbah Yazdi MT. Divine Advice. Imam Khomeini Education and Training Institute Publications. 2016; 26.
46. Mesbah Yazdi MT. to him. Qom, Publications of Imam Khomeini Institute of Education and Training, 2003; 76–79.

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-19]